



جان وِسلِی (John Wesley)

در این نوبت از معرفی مشاهیر تاریخ کلیسا به زندگی جان ولسلی (John Wesley)، خواهیم پرداخت.

او متولد ۱۷ ژوئن ۱۷۰۳ میلادی در اپورث، لینکلن شایر، انگلستان - و متوفی به تاریخ در ۲ مارس میلادی ۱۷۹۱ در لندن می‌باشد.

وی یک روحانی انگلیکان (Anglican)، مبشر و بنیان‌گذار جنبش متدیست در کلیسای انگلستان به همراه برادرش چارلز بود. جان ولسلی پسر دوم ساموئل ولسلی، مخالف کلیسای انگلستان و رئیس دانشگاه اپورث (Epworth) بود. پس از شش سال تحصیل در چارترهاوس (Charterhouse) لندن او در سال ۱۷۲۰ میلادی وارد کلیسای مسیح، دانشگاه آکسفورد شد. او پس از فارغ التحصیلی در سال ۱۷۲۴ میلادی تصمیم گرفت که به عنوان کشیش منصوب شود. در سال ۱۷۲۵ میلادی توسط اسقف آکسفورد به عنوان شماس انتخاب شد و سال بعد به عنوان عضو کالج لینکلن (Lincoln) انتخاب شد. وی پس از کمک به پدرش در اپورث و روت (Wroot) در ۲۲ سپتامبر ۱۷۲۸ میلادی به عنوان کشیش منصوب شد.

جان که در اکتبر ۱۷۲۹ میلادی به آکسفورد فرا خوانده شد تا نیازمندیهای اقامتی اش را تکمیل کند، به برادرش چارلز، رابرت کرهام (Robert Kirkham)، و ویلیام مورگان (William Morgan) در یک گروه مطالعاتی مذهبی که به دلیل تأکید آنها بر مطالعه روش مدار و عمیق، به تمسخر "متدیست" نامیده می‌شد، پیوست. جان توسط چارلز با بر عهده گرفتن رهبری گروه، کمک کرد تا تعداد آنها افزایش یابد. متدیست‌ها که به آن انجمن مقدس نیز می‌گویند به خاطر خدمات عشای مکرر و دو روز روزه‌داری در هفته شهرت داشتند.

از سال ۱۷۳۰ میلادی به بعد این گروه خدمات اجتماعی را به فعالیتهای خود اضافه کردند، از زندانیان آکسفورد بازدید کردند، به آنها خواندن را آموزش دادند، بدهیهایشان را پرداخت کردند و تلاش کردند برای آنها شغل پیدا کنند. متدیست‌ها همچنین دامنه فعالیتهای خود را به نوانخانه‌ها و میان افراد فقیر، توزیع غذا، لباس، دارو و کتاب و همچنین اداره یک مدرسه گستراندند. هنگامی که وسلی‌ها انجمن مقدس را در سال ۱۷۳۵ میلادی ترک کردند، گروه از هم پاشید.

جان وسلی پس از مرگ پدرش در آوریل ۱۷۳۵ میلادی توسط یکی از دوستانش در آکسفورد، جان بارتون (John Burton) و کلنل جیمز اوگلتورپ (Col. James Oglethorpe) فرماندار مستعمره جورجیا در آمریکای شمالی متقاعد شد تا بر زندگی روحانی استعمارگران نظارت کند و به عنوان نماینده انجیل آن را میان بومیان آمریکا ترویج دهد. او همراه با چارلز برای این مأموریت منصوب شد.

جان با برخی مهاجران موراویا (Moravian) آشنا شد که به نظر می‌رسید آرامش روحی‌ای را که او به دنبالش بود، دارا هستند. مأموریت به مردم بومی ناکام ماند و وسلی نیز در ارتباط با بیشتر افراد جماعت خود موفق نبود. او با وفاداری به آنها خدمت کرد، اما سخت‌گیریهایی کلیسایی‌اش آنها را دلزده کرد.

او تعلق خاطری ساده‌لوحانه به سوفیا هوپکی خواهرزاده رئیس دادگاه ساوانا داشت که با مرد دیگری ازدواج کرد، و وسلی با ناپختگی با محروم کردن او از شرکت در عشای ربانی، موجبات انتقاد را فراهم آورد. در دسامبر ۱۷۳۷ میلادی او از جورجیا فرار کرد. سوء تفاهمها و آزار و اذیت ناشی از داستان سوفیا هاپکی (Sophia Hopkey) او را مجبور به بازگشت به انگلستان کرد.

در لندن او با موراویایی به نام پیتر بولر (Peter Böhler) ملاقات کرد که او را متقاعد کرد که آن چه او به آن نیاز دارد فقط ایمان است و همچنین تفسیر مارتین لوتر بر نامهٔ پولس به غلاطیان را کشف کرد که بر آموزهٔ کتاب مقدسِ عادلِ شمردگی به واسطهٔ فیض از طریق ایمان تأکید می‌کرد.

در ۲۴ مه ۱۷۳۸ میلادی، در خیابان الدرزگیت لندن، طی جلسه‌ای که عمدتاً از موراویان تحت نظارت کلیسای انگلستان تشکیل شده بود در حالی که مقدمهٔ لوتر برای تفسیر نامهٔ پولس به رومیان در حال خوانده شدن بود اعتقاد فکری وِسلِی به تجربهٔ شخصی تبدیل شد.

از این نقطه به بعد در سن ۳۵ سالگی وِسلِی مأموریت خود را در زندگی به عنوان اعلان کنندهٔ مژدهٔ نجات به ایمان می‌دید، که هرگاه منبری به او پیشنهاد می‌شد این کار را انجام می‌داد. با این حال، جماعت کلیسای انگلستان به دلیل شور و شوق زیاد او درهای خود را به روی او بستند. او سپس به جوامع مذهبی رفت و سعی کرد نیروی معنوی جدیدی را به آنها تزریق کند، به ویژه با معرفی گروه‌هایی شبیه به انجمنهای موراویایی - یعنی گروه‌های کوچکی در هر جامعه که اعضای آن از جنسیت و وضعیت تأهل یکسان برخوردار بودند و آماده بودند تا جزئیات صمیمانهٔ زندگی خود را با یک دیگر به اشتراک بگذارند و متقابلاً انتقادهای سازنده دریافت کنند. برای این گروه‌ها، وِسلِی در دسامبر ۱۷۳۸ قوانین گروه‌های اجتماعی را تنظیم کرد.

برای یک سال او از طریق جوامع کلیسایی موجود کار کرد، اما مقاومت در برابر روشهایش افزایش یافت. در سال ۱۷۳۹ میلادی، جورج وایتفیلد (George Whitefield)، که بعدها به یکی از واعظان مهم بیداری بزرگ در بریتانیا و آمریکای شمالی تبدیل شد، وِسلِی را ترغیب کرد که به توده‌های بدون کلیسا برود. وِسلِی نوکیشان را به جوامعی برای ادامه همبستگی و رشد معنوی گرد آورد و یک گروه در لندن از او

خواستند تا رهبرشان شود. به زودی گروه‌های مشابه دیگری در لندن، بریستول (Bristol) و جاهای دیگر تشکیل شدند.

برای جلوگیری از رسوایی اعضای نالایق، وسلی در سال ۱۷۴۳ میلادی قوانین جوامع متدیست را منتشر کرد. برای ترویج جوامع جدید، او به یک واعظ سیار تبدیل شد که بسیار سفر می‌کرد. از آن جا که بیشتر روحانیون منصوب شده از روش او حمایت نمی‌کردند، وسلی مجبور شد از خدمات علمای منتصب که آنها نیز واعظان سیار شدند و در اداره جوامع متدیست کمک کردند، استفاده کند.

بسیاری از واعظان وسلی به مستعمرات آمریکایی رفته بودند، اما پس از انقلاب آمریکا بیشترشان به انگلستان بازگشتند. از آن جا که اسقف لندن برخی از واعظان او را برای خدمت در ایالات متحده منصوب نکرد، وسلی در سال ۱۷۸۴ میلادی به طور بحث برانگیزی این مسؤولیت را بر عهده گرفت در همان سال او نشان داد که جوامع او مستقل از هر گونه کنترل کلیسای انگلستان عمل می‌کنند. وسلی در اواخر عمر خود به یک چهره افتخاری در جزایر بریتانیا تبدیل شد.

وسلی عمیقاً متقاعد شده بود که خدا همچنان که نگران زندگی آسمانی ما است نگران زندگی زمینی ما نیز است. برای این منظور، او یک کتاب پزشکی برای افراد عادی به نام "طب ابتدایی" نوشت. این کتاب به تفصیل دانش موجود درباره درمانهای خانگی را شرح داد و ۳۲ نسخه از آن منتشر شد، که آن را به یکی از پُر خواننده‌ترین کتابها در انگلستان تبدیل کرد.

بسیاری از درمانها و نکات وسلی در مورد زندگی سالم به طور گسترده پذیرفته شده‌اند. در حالی که برخی از توصیه‌های او در حد خواسته بود، مهم‌ترین بخش فلسفه او اصرار بر مشاهده مداوم برای حمایت از فرضیه‌ها بود. وسلی جسورانه پزشکان مدرن را زیر

سؤال برد - چگونه آنها گاهی با انسان مانند ماشین رفتار می‌کنند. که بسیاری از "داروی" آنها فاقد ارزش بوده و آنها فاقد شواهدی برای حمایت از اثربخشی آن هستند. به همین ترتیب، برخی از باورهای و سلی قطعاً به شواهد حمایتی بیشتری نیاز داشتند. به عنوان مثال، و سلی توصیه کرد که برای درمان درد معده، توله سگ را روی شکم خود ننگه دارید. او قرص وزغ خشک و پودر شده برای آسم ارائه داد. او همچنین از غوطه‌ور شدن منظم در آب سرد حمام لذت می‌برد که تصوّر می‌شد یک اکسیر است. اینها برای ما عجیب به نظر می‌رسند، اما بسیاری از افکار برجسته در زمان و سلی از این نوع درمانهای عامیانه حمایت می‌کردند.

بعضی از نکات کتاب او:

"کسانی که زیاد می‌خوانند یا می‌نویسند، باید یاد بگیرند که این کار را ایستاده انجام دهند، در غیر این صورت به سلامت آنها آسیب می‌رساند.

- ✓ سایر نکات رژیم غذایی و ورزش و سلی عبارتند از:
- ✓ آب زیاد بنوشید؛ این سالم‌ترین نوشیدنی است.
- ✓ اجتناب از قهوه و چای؛ آنها استرس را بالا می‌برند.
- ✓ ورزش، ترجیحاً پیاده روی، برای سلامتی لازم است.
- ✓ حمام سرد گردش خون را تقویت می‌کند.
- ✓ با معده خالی ورزش کنید.
- ✓ ساعت ۹ شب به رختخواب بروید و در ساعت ۴ یا ۵ صبح بیدار شوید."

برنامه‌های سلامتی که در کلیسای متحد متدیست در حال ظهور هستند، اهمیت سبک زندگی سالم را تقویت می‌کنند. این برنامه‌ها تأکید می‌کنند که سلامت جسمانی و سلامت معنوی دست به دست هم می‌دهند.

تحقیق، ترجمه و تألیف: زوفا رایان

شما می‌توانید جهت آشنایی بیشتر با مشاهیر تاریخ کلیسا، از وب سایت رسمی کلیسای خداوند عیسی مسیح به نشانی www.persian-ljc.com دیدن فرمایید.

منابع:

Encyclopedia Britannica. (2024, September 20). John Wesley: English clergyman. In *Encyclopedia Britannica*. Retrieved November 11, 2024, from <https://www.britannica.com/biography/John-Wesley>

Hogan, S. (2010, February 9). *Wesley's diet, exercise tips promote health*. United Methodist News. Retrieved November 11, 2024, from <https://www.umnews.org/en/news/wesleys-diet-exercise-tips-promote-health>

Steele, J. (n.d.). *10 fascinating facts about John Wesley and United Methodism*. ResourceUMC. Retrieved November 11, 2024, from <https://www.resourceumc.org/en/content/10-fascinating-facts-about-john-wesley-and-united-methodism>